



نگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

پیامدهای طلاق عاطفی و عوامل و مراحل آن

امیر حسین صفدری، محمدرضا غلامپور

۱ - دانشجوی کارشناسی، حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی شاندریز، مشهد

۲ - عضو هیئت علمی، حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی شاندریز، مشهد

Email: Amirhosseinsafdari76@yahoo.com

Email: Notary39mashhaad@gmail.com

چکیده

در این پژوهش سعی بر این شده است نگاهی هر چند مختصر به این پدیده اجتماعی انداخته و در مورد برخی از آسیب های فردی و اجتماعی وارده از سوی آن به بحث و گفتگو بپردازیم و با این امید که در آینده شاهد کاهش میزان طلاق عاطفی و از هم فرو پاشی کانون گرم خانواده ها باشیم. روش در این پژوهش بر اساس تحقیقات میدانی و کتابخانه ای صورت گرفته است تا بتوانیم مشکلات طلاق عاطفی را بررسی کنیم و عوامل متعددی که بر این مسله حاکم است را شناسایی کرده. نتایج به دست آمده نشان می دهد یکی از مهمترین انواع طلاق، طلاق عاطفی است که در هیچ کجا به ثبت نمی رسد و نمود عینی ندارد اما مهمترین نوع طلاق است که کودکان زیادی از آن رنج می برند. در چنین خانواده هایی یک تشنج روانی حکم فرماست و نگرش های منفی، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان و یا ناتوانی در تامین نیازهای زندگی تصمیم می گیرند که به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن انزوا طلبی اختیار کرده و خود را شریک زندگی نمی داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می دهد. و در خصوص این بحث باید گفت بسیاری از زوج ها با هم زندگی می کنند ولی از وجود و درون هم خبری ندارند، این قطع روابط عاطفی عوامل پنهان و ناگفته های بسیاری دارد. طلاق عاطفی یعنی خانواده های تو خالی و خاموش که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند.

کلمات کلیدی: طلاق عاطفی، پیامدها، جامعه، خانواده

۱- مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمولترین نهاد اجتماعی است (اعزاز، ۱۳۸۷: ۱۲). صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (عظیمی رستا، ۱۳۹۲: ۳۲). هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند (افکاری، ۱۳۹۲: ۲).

یکی از مهمترین آسیب های خانوادگی طلاق است. اما آمار رسمی طلاق بطور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر اما کشف نشده به طلاق های عاطفی اختصاص دارد شاید در برابر آمار طلاق های قانونی را بتوانیم به طلاق های عاطفی اختصاص دهیم یعنی به زندگی های خاموش و خانواده هایی که زن و مرد به سردی در کنار هم زندگی می کنند ولی هیچ گاه تقاضای طلاق قانونی نمی کنند. در واقع برخی از ازدواج ها که با طلاق پایان نمی یابند به ازدواج های تو خالی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی پیش می روند و زندگی را سپری می کنند (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۴).

توجه به اینکه طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد و با در نظر گرفتن این نکته که تاکنون علی رغم توجه به طلاق، مسئله طلاق عاطفی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله پژوهش حاضر بررسی پیامدهای طلاق عاطفی بوده است.



نگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

در طلاق عاطفی، زن و شوهر بدون اینکه به طور رسمی از هم جدا شوند، عواطف خود را از هم دریغ کرده و روی از هم برمی تابند زیرا دیگر اعتماد و احساسی بینشان نمی ماند، زن و مرد با اینکه در یک خانه و زیر یک سقف زندگی می کنند، باهم غذا می خورند، باهم کار می کنند، باهم به مسافرت می روند و ... اما در اصل دو انسان بیگانه و بی تفاوت و بی احساس نسبت به هم هستند و سر هر کدامشان به مسائل و امور خود گرم می شود. طلاق عاطفی، آسیبی فراگیر نه تنها در کشور ما بلکه در تمام دنیا می باشد. این مسأله علت‌های گوناگونی دارد. علت‌هایی مانند محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات اقتصادی، ازدواج‌های تحمیلی، ترس و فرار از تنها ماندن، چشم و هم چشمی با دوستان و فامیل در امر ازدواج، خشونت و عصبانیت می باشد.

۱-۱- پیشنهاد تحقیق

ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یک دیگر میزان تصور مثبت از پیامد طلاق و دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین، و تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و عقاید آن‌ها بر میزان گرایش به طلاق تاثیر داشته اند که دخالت‌های درگیر در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یک دیگر دارای بیشترین تاثیر بر میزان گرایش به طلاق بوده اند. نتایج باستانی و همکاران (۱۳۸۹) پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان را نشان می‌دهد و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تامل هستند، حمایت می‌کند.

در پژوهش ادیب راد و همکاران (۱۳۸۶) نتایج نشان دهنده تفاوت معنی دار بین باورهای ارتباطی و خرده مقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالف، انتظار ذهن خوانی و تغییر ناپذیری همسر است. نتایج همچنین نشان دهنده معنی دار بیم دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به زندگی مشترک بوده.

نتایج تحقیق نریمان وند (۱۳۸۴) نشان داد تفاوت معنا دار بین شیوع طلاق عاطفی بین همسران و مردان معنادار وجود دارد اما به دلایلی مانند نداشتن حمایت خانوادگی، وجود نداشتن فرزندان و کمبود به اعتماد بنفس اقدام به جدایی نمی‌کنند.

۲- مبانی و چارچوب نظری

۲-۱- طلاق

طلاق در لغت به معنی گشودن گره و رها کردن است. در فقه اسلامی در تعریف طلاق گفته اند: طلاق عبارتست از زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص (صفائی، امامی، ۱۳۷۲: ۲۵۹).

طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود دارد.

آمار رسمی طلاق نشان دهنده میزان ناکامی زوجین در زندگی زناشویی نیست. این آمار شامل افرادی که از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند، اما به طور قانونی طلاق نگرفته اند، نمی‌شود. علاوه بر آن افراد زیادی وجود دارند که از زندگی مشترک خود راضی نیستند، اما به دلایل مختلف از هم جدا نمی‌شوند. آنها نگران پیامدهای عاطفی، مالی، اجتماعی و فرهنگی طلاق هستند و ترجیح می‌دهند به خاطر فرزندان‌شان به زندگی مشترک ادامه دهند. به این ترتیب آمار رسمی طلاق در جامعه درصد ناچیزی از تعداد خانواده‌هایی که در شرایط "طلاق عاطفی" به سر می‌برند را نشان می‌دهد.

کارشناسان معتقدند عوامل مختلف اجتماعی در افزایش میزان طلاق نقش دارد. به اعتقاد آنها به تدریج که زنان از نظر اقتصادی مستقل می‌شوند آمار طلاق نیز افزایش می‌یابد. با افزایش سطح درآمد‌ها زنان مجبور به تحمل نارسایی‌های زندگی مشترک برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود نیستند (باستانی، گلزاری، ۱۳۸۹: ۳).

۲-۲- طلاق عاطفی



نگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

پل بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال می داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود (یزدانی، حقیقتیان، ۱۳۹۲: ۱۶۳). زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن ها نسبت به یک دیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان یک انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می شود. که در آن هر یک از زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی دیگر را آزار می دهد. طلاق عاطفی متضمن فقدان احترام، اعتماد و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از یک دیگر جهت آزار و ناکامی و تنزل اعتماد بنفس یکدیگر عمل می کنند و هر یک به دنبال یافتن دلیلی بر اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (عظیمی رستا، ۱۳۹۲: ۳۲). تعاریف موجود طلاق عاطفی را اختلال در روابط انسان ها دانسته اند. اما در هیچ یک از این تعاریف ملاک های مشخصی برای تعیین همسرانی که در چنین وضعیتی قرار دارند ارایه نشده است. بر این اساس جهت دست یابی روشنی به طلاق عاطفی، نظریات موجود در این زمینه روابط افراد مورد بررسی قرار گرفته تا بر مبنای آن بتوان افرادی که در وضعیت طلاق عاطفی قرار دارند مشخص کرد (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰). در طلاق عاطفی دو نفر به لحاظ فیزیکی از هم جدا نمی شوند؛ بلکه کنار هم زندگی می کنند و شرایط بر روابط آن ها حاکم است که در طلاق متعارف وجود ندارد. این اتفاق می تواند به صورت یک طرفه و یا دو طرفه به مرور زمان رخ دهد و دو طرف به تدریج متوجه شوند که جذابیت، کشش و علاقه و عاطفه مثبت که نسبت به هم داشته اند در بین آن ها رنگ باخته است (دژاکام، ۱۳۹۱).

۳-۲- مراحل طلاق عاطفی

مراحل مزبور در دوران طلاق عاطفی به شرح زیر طبقه بندی شده است:

مرحله اول سرزنش: در مرحله اول، شروع کننده تمرکز خود را متوجه همسر می کند و او را در تمام اتفاق های گذشته، حال و آینده مقصر می داند. در این مرحله فرد دارای یک تصویر بد و نامناسب نسبت به خود است و ممکن است به راحتی آسیب ببیند. شروع کننده در بیشتر موارد افسرده و غمگین است و احساس کمبود انرژی می کند و در نظر دوستان و خانواده هم بسیار آشفته به نظر می رسد. خصوصیات و واکنش های رفتاری فرد در مرحله اول، با توجه به اینکه در زمره افراد شروع کننده یا غیرشروع کننده باشد، فرق می کند. در چنین شرایطی مرد یا زنی که درخواست طلاق داده (شروع کننده) می خواهد از یک زندگی پر از استرس به آرامش برسد چرا که دچار عصبانیت، افسردگی و ترس است ولی سعی می کند همه چیز را عادی جلوه دهد. طرف غیرشروع کننده (کسی که درخواست طلاق نداده) هم در این مرحله شروع کننده را فردی خیره سر و سمج می نامد.

مرحله دوم سوگواری: در این مرحله غم و اندوه فراوان بر شروع کننده مستولی می شود به هر اظهار نظری واکنش تند نشان می دهد و به شدت در افکار و احساسات خود غوطه ور می شود. تمرکز حواس خوبی ندارد، به گونه ای که در انجام کارهای روزمره اش با مشکلاتی مواجه خواهد شد. در این مرحله اگر زوج دارای فرزند باشند، به تدریج در انجام مسوولیت هایشان سستی به خرج می دهند و ممکن است یکی از والدین دست روی بچه بگذارد تا شاید همسر از دست داده را دوباره صاحب شود.

مرحله سوم خشم: هر چند خشم در هر مرحله از مراحل ۵ گانه تظاهر پیدا می کند ولی از خصوصیات بارز مرحله سوم است، به خصوص نسبت به دوستان و افراد خانواده و بیشترین بخش آن متوجه همسر می شود. با این حال ممکن است مرد به تمام زن ها و حتی زن نسبت به تمام مرد ها حس خشم داشته باشد. در این مرحله شروع کننده خود را محق می داند که عصبانی شود و همسرش باید تاوان اعمالش را پس دهد و آزار و اذیت شود. حتی گاهی بی دلیل نسبت به فرزندان خود حساسیت های بی مورد دارد و به آنها پر خاش و توهین می کند ولی با این حال در پشت این چهره، ترس های بسیاری نهفته است.

مرحله چهارم تنهایی: بسیاری از افراد بعد از دوران بلوغ، احساس می کنند تنها هستند. به تدریج شروع کننده شخصیت خود را طوری تطابق می دهد که دیگر نیازی به همسر ندارد. مرد یا زن سعی می کنند به خود اطمینان پیدا کنند و تصمیم نهایی را بگیرند. آنها در این مرحله خودشان را بازسازی می کنند و تصویرشان از خود، نسبت به مرحله اول خیلی بهتر می شود.



نگاره بین‌المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

مرحله پنجم بازگشت به زندگی: ورود مجدد به زندگی آخرین مرحله از فرایند طلاق قانونی است. مرد یا زن احساس می‌کنند که دوباره کنترل بیشتری بر زندگی خود دارند. در این مرحله فرد می‌تواند برنامه ریزی درازمدت انجام دهد. اگر هر دو در این مرحله قرار داشته باشند، به ندرت کارشان به محاکم قضایی کشیده می‌شود و فرایند طلاق قانونی بدون نیاز به دادگاه تکمیل می‌شود (منبع، روزنامه سلامت، دکتر محمدرضا صفری نژاد^۱).

۴-۲- عوامل تسهیل کننده در طلاق عاطفی

۱- عدم تامین نیازهای عاطفی ۲- بی‌توجهی به مرد ۳- عدم همدلی و همراهی ۴- رفتارهای خشونت آمیز مرد ۵- عدم گذران وقت با یکدیگر ۶- نارضایتی جنسی ۷- بی‌اعتمادی ۸- مشکلات ارتباطی ۹- عدم تعادل روحی مرد (احمدی، ۱۳۸۶).

۵-۲- عوامل افزایش طلاق عاطفی

۱- کار و فعالیت‌های اجتماعی امروزه سبب شده زوجین زمان مناسبی برای پرداختن به مسایل عاطفی نداشته باشند ۲- کوتاهی زن و شوهر در استحکام روابط شان ۳- فقدان توان مهارت‌های زندگی ۴- توجه زیاد زوجین به شبکه‌های اجتماعی ۵- اختلال در روابط عاطفی، شناختی، جنسی و زناشویی بین زوجین توأم با عدم درک متقابل و همدلی ۶- اعتراض‌های مکرر به رفتارهای یکدیگر (منبع، ایسنا).

۶-۲- دلایل اصلی بروز طلاق عاطفی

وجود ویژگی‌های اخلاقی نامطلوب در زوجین ازدواج دیر هنگام، خشونت یکی از زوجین، دخالت‌های بی‌مورد دیگران در زندگی مشترک، بیکاری یا از دست دادن موقعیت شغلی، به خطر افتادن وضعیت اقتصادی خانواده و در نهایت ضعف مهارت‌های ارتباطی کلامی در همسران. مهم‌ترین نکته‌ای که توجه به آن می‌تواند مانع از بروز بسیاری از جدایی‌های عاطفی شود این است که همسران در شناخت و برطرف کردن نیازهای عاطفی یکدیگر، نا موفق هستند به طور کلی می‌توان گفت نیازهای اساسی که برای مردان تعریف شده است عبارت است از حمایت خانوادگی، تحسین، همراهی در تفریحات و در مقابل نیازهای اساسی که برای زنان تعریف می‌شود عبارت است از محبت، گفت‌گو، صداقت و روراستی، حمایت مالی و تعهد خانوادگی (سایت پزشکان بدون مرز^۲).

۷-۲- رابطه متقابل طلاق عاطفی با نیاز جنسی

بهترین راه اگر نگوئیم تنها راه دستیابی به صمیمیت و نزدیکی در یک رابطه‌ی پایدار این است که خلاق باشیم. برای به کار انداختن سیستم خلاقیتان، بهترین راه این است که خود شما یا ترجیحا شما و همسران به پیشنهاد‌های سیستم خلاقان توجه داشته باشید و ببینید چه راهکار جدیدی به شما پیشنهاد می‌دهد که در عمل شما را به هم نزدیکتر می‌کند (گلسر، ۱۳۹۵). رابطه جنسی رضایت بخش لازمی زندگی زناشویی پایدار و خوشنود است. مهم نیست این رابطه هر چند وقت یک بار برقرار شود یا این که چقدر طول بکشد مهم این است که هر دو طرف از آن رضایت داشته باشند. یک زندگی زناشویی کاملاً خصوصی است هر چو رابطه جنسی تا زمانی که هر دو طرف موافق باشند قابل اجراست. رضایت جنسی در زندگی زناشویی به اعتماد بین دو طرف و همچنین به انجام هر کار ممکن برای داشتن رابطه‌ی محبت آمیز در تمامی اوقات و نه فقط در اتاق خواب وابسته است. رابطه جنسی راهی برای داشتن احساس نزدیکی بهتر و صمیمیت بیشتر است (گلسر، ۱۳۹۵).

افراد کامیاب هرگز نقش درمانده را بازی نمی‌کنند و به بازی بهانه جویی و سرزنش دیگران روی نمی‌آورد بلکه در عوض مسولیت تمام جنبه‌های زندگی خود را می‌پذیرند. به دیگران اجازه دخالت در امور خود را نمی‌دهند و قدرت و اختیار بیجا به کسی واگذار نمی‌کنند (صاحبی، ۱۳۹۳). کمی خلاقیت زندگی زناشویی شما را نجات می‌دهد. باید رفتارهای تازه و به کارگیری خلاقانه را جایگزین شکایت کسل کننده کنیم. بگوئیم تصور نمی‌کنم تومسول ناخشنودی من هستی، می‌خواهم فعالیت‌هایی که فکر می‌کنم از آن خوشتر می‌آید همراه با تو برای طراوت بخشی به زندگی مان انجام دهم ایده حتماً نباید خارق العاده باشد بلکه باید تازه و حمایتگرانه باشد، عادات مخرب استفاده کنید. از همسران قدردانی کنید (گلسر، ۱۳۹۱).

^۱ . www.tebyan.net/newindex.aspx/flash/index.aspx?pid=259112

^۲ . www.pezeshek.us/?p=۳۰۶۶۸



نگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

۸-۲- علایم پیش بینی کننده طلاق

از نظر دکتر گاتمن (۱۳۹۱)، ۱- شروع یک مشاجره با شدت زیاد ۲- انتقاد از همسر به جای گلایه کردن ۳- نشان دادن تنفر و انزجا ۴- دفاعی بودن زیاد ۵- فقدان تایید طرف متقابل در روابط ۶- زبان بدنی منفی.

گاتمن در پژوهش هایش دریافته است که اگر هر زوج در هفته فقط ۵ ساعت را صرف زندگی مشترک کنند روابط شان بهتر خواهد شد کاری که زوج های خوشبخت می کنند را به شما توصیه می کنم:

۱ - خداحافظی - این زوج ها هر روز قبل از خداحافظی درباره کارهایی که قرار است در آن روز بکنند سوالاتی از همدیگر می کنند.

۲ - تجدید دیدار ها - این زوج ها در پایان هر روز کاری یک گفتگوی آرام و بی استرس با هم دارند در این فرصت آن ها می توانند روابط خود را عمیق تر سازند و از خستگی و دل مشغولی های هم آگاه شوند.

۳ - محبت - این زوج ها محبت خود را از طریق رفتارهایی همچون لمس کردن هم روابط عاشقانه و بخشش در مواقع مناسب ابراز می کند.

۴ - قرار هفتگی - این زوج ها یک قرار هفتگی دو نفره در فضای خلوت و آرامش بخش برای تازه کردن عشق خود دارند.

۵ - تحسین هم و قدردانی - این زوج ها هر روز حداقل ۵ بار قدردانی و محبت صادقانه ای بین خود رد بدل می کنند .
باتوجه به کارهایی که زوج های خوشبخت انجام می دهند می بینیم که انجام این کارها زیاد زمان بر نیست . اما همین کارهای به ظاهر ساده می تواند روابط زناشویی زوجین را به طرز شگفت انگیزی بهتر کند (گاتمن، ۱۳۹۱).

۹-۲- درمان شکست عاطفی

اگر از ناکامی شما در عشق مدت هاست که می گذرد به احتمال زیاد همچنان دچار احساسات و هیجانات منفی هستید ، البته نه به شدت روزهای اول گاهی ساعت ها به معشوق خود فکر می کنید و هر از چنگاهی وجودتان پر از اندوه می شود و ناامیدی دوباره به جانتان می افتد در این شرایط کارهای زیر در سازگاری به شما می تواند تا حدودی کمک کننده باشد.

۱- قبول کنید که همه چیز تمام شده است در این برهه که مدتی است رابطه شما تمام شده است پذیرش واقعیت برای شما راحت تر است اولین قدم به سمت آینده ای روشن و مثبت این است که قبول کنید عشق تان را از دست داده اید. به واقع همانند تمامی درمان های روانشناختی اولین قدم جهت بهبود پذیرش مشکل است.

۲- مواظب باشید که عشق به نفرت تبدیل نشود بعد از مدت کوتاهی وارد نفرت می شوید و فقط قصد دارید فریاد بزنید تا احساسات خود را خالی کنید به شدت از همه چیز خشمگین هستید و هر قدر فرایند جدایی بیشتر طول بکشد این خشم بیشتر خواهد شد هم از خودتان عصبانی هستید هم از معشوق قبلی تان اما بعد از مدتی به این نتیجه خواهید رسید که این جدایی اجتناب ناپذیر بوده است در واقع این خشم و غلیان احساسات خیلی طولانی نخواهد بود سعی کنید کارهای مثبت انجام دهید تا از آنها انرژی بگیرید. سعی نکنید نفرت را جایگزین عشق کنید چون خود همین نفرت در شما احساسات متناقضی را به وجود می آورد که میتواند برایتان دردسرساز شود(منبع. گفته های الهه نژاد کریم کارشناس ارشد مشاوره و روانشناس خانواده در تهران، مرکز مشاوره باران و بینش نوین).

۳- نتیجه گیری

در تحقیقات انجام شده بررسی طلاق عاطفی نشان می دهد تاثیرات از لحاظ عاطفی و روحی در بین زوجین و فرزندان نشان متفاوت می باشد. می توانیم بگویم مهمترین مسئله در طلاق عاطفی ، احساس و محبت فی مابین زوجین است برای این که کمتر شاهد طلاق عاطفی باشیم اگر زوجین روابط و مشکلات شان را خودشان حل کنند خیلی بهتر از این است تا زندگی خود را با دیگران مقایسه کنند. مقایسه کردن و دخالت دیگران در زندگی زوجین یکی دیگر از عوامل طلاق عاطفی می باشد. تحقیقات انجام شده نشان داده در بیشتر موارد مقایسه زندگی شخصی با زندگی دیگران، بی توجهی، عدم مسولیت پذیری و عدم رابطه مناسب جنسی در زوجین باعث شده تا رو به طلاق عاطفی بیاورند.



نگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم

The International Congress of Behavioral Studies of Society and Healthy Lifestyle

موارد زیادی بر بروی طلاق عاطفی اثر می گذارد از جمله: عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... می توان تاثیر بر طلاق عاطفی بگذارند در تحقیقات بدست آمده می توان بگوییم زنان علی رغم میل خود مجبور به زندگی هستن زنان بین ماندن و رفتن ماندن را انتخاب کرده و دلیل اصلی فرزندادن خود می دانند. این مسله در زمان قدیم بسیار کمتر بوده زیرا زنان بخاطر ترس از آبرو ریزی تن به زندگی می دادند. شاید امروزه بتوانیم یکی از مهمترین مشکلات طلاق را شبکه های اجتماعی دانست.

قدردانی

با تشکر قدر دانی از زحمات صمیمانه ی پدر و مادرم عزیزم و دوست عزیزم مهندس حسنی که در تهیه این مقاله مرا یاری نمودند.

مراجع

۱. احمدی، ح، **جامعه شناسی انحرافات**، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت، ۱۳۸۶.
۲. افکاری، پریسا، **مقایسه شیوه های فرزندپروری، عزت نفس و سلامت روان مادران کودکان دارای ناتوانی های یادگیری و مادران کودکان عادی**، دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، اردبیل، ص ۲ . 1392.
۳. اعزازی، شهلا، **"خشونت خانوادگی، خشونت اجتماعی"**، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷.
۴. باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، **"طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی"**، نام نشریه فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ۱۳۸۹.
۵. بخارایی، احمد، **جامعه شناسی زندگی های خاموش در ایران**، تهران، نشر پژوهاک جامعه، ۱۳۸۶.
۶. گاتمن، جان، سیلور، نان، **هفت اصل برای زندگی زناشویی کارآمد**، نظری، ترجمه مرتضی، نشر اندیشه معاصر، ۱۳۹۱.
۷. گلرسر، ویلیام، گلرسر، کارلین، **ازدواج بدون شکست**، صاحبی، ترجمه علی، تهران، انتشارات سایه سخن، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۸. گلرسر، ویلیام، گلرسر، کارلین، **هشت درس برای ازدواج شادتر**، صاحبی، ترجمه علی، مرادیان، ترجمه مریم، تهران، انتشارات سایه سخن، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۹. گلرسر، ویلیام، گلرسر، کارلین، **هشت درس برای زندگی زناشویی شادتر**، راهنما، ترجمه نرکس، تهران، نشر پارس هخامنش، ۱۳۹۱.
۱۰. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، **"حقوق خانواده (تکاح و انحلال آن، فسخ و طلاق)"**، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۱. عظیمی رستا، محمود، عابدزاد نویریان، مهرناز، **"بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده"**، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، صص ۳۱-۴۶، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۹۲.
۱۲. یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور، **"تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهر کرد)"**، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، صص ۱۵۹-۱۸۹، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۹۲.